

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طسک المص
جز میحس



عَلَيْهِ
صَلَوَاتُكَ
وَعَلَيْهِ
سَلَامُكَ

بعد از غدیر

بعد از واقعه غدیر در بین اصحاب خاص رسول خدا ﷺ رسم بوده که در اذان و اقامه بعد از شهادت به رسالت پیامبر اکرم ﷺ، اقرار و شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ بدهند.

چنانچه در روایت است که: مردی بر رسول خدا ﷺ وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله من امروز چیزی را شنیدم که تا حال نشنیده بودم! حضرت فرمودند: چه چیزی شنیدی؟ عرض کرد: شنیدم که سلمان در موقع گفتن اذان پس از شهادت به رسالت شما، شهادت به ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را بر زبان جاری می‌کرد.

حضرت فرمودند: خوب چیزی شنیده‌ای. و یا در روایت دیگر آمده است: مردی بر رسول خدا ﷺ وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله همانا اباذر در اذان پس از شهادت به رسالت شما، شهادت به ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را بر زبان جاری کرده و می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله. در این هنگام پیامبر اکرم ﷺ نیز همین شهادت را بر زبان جاری نموده و فرمودند: «آیا کلام مرا در روز غدیر خم فراموش کرده‌اید که گفتم: هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست. و هر کس که نقض بیعت کند در حقیقت بر زبان و هلاکت خویش اقدام کرده است.»

منبع:

حق با کیست؟ (در رابطه با امر خلافت بعد از پیامبر)

در حالیت میگردان

معاویه از دشمنان سرسخت علی ﷺ بود، روزی در کنار پسرش یزید، و مشاورش عمروعاص، بود، در این هنگام شخصی هدیه نفیسی آورد و به معاویه اهداء کرد. معاویه در آن روز پیشنهاد عجیبی به یزید و عمروعاص کرد، گفت: «هر یک از ما یک بیت شعر در شأن علی ﷺ بگوییم و شعر هر کدام از ما، اگر از نظر ظاهر و معنی، جالب و زیبا بود، این هدیه مال او باشد.»

یزید و عمروعاص، پیشنهاد معاویه را پذیرفتند. معاویه گفت:

خیر الوری من بعد أحمد حیدر
و الناس ارض و الوصی سماء

یعنی: «بهترین موجودات غیر خدا، پس از پیامبر اسلام ﷺ، علی ﷺ است، انسان‌ها در مقایسه با علی ﷺ همچون زمین هستند، ولی وصی پیامبر ﷺ (یعنی علی) آسمان است.»

میان ماه من تا ماه گردون
تفاوت از زمین تا آسمان است
عمروعاص گفت:

هذا الذی شهد العدو بفضلہ
والفضل ما شهدت به الاعداء

یعنی: «علی ﷺ کسی است که دشمن (معاویه) به فضیلت و آقایی او گواهی دهد، کمال افتخار آن است که دشمنان به آن گواهی دهند.»

یزید گفت:

کملیحه شهدت بها ضرائها
و الحسن ما شهدت به ضراء

یعنی: «علی ﷺ همچون بانوی زیباروی و نمکینی است که هووهای او، به نیکی و بزرگواری او گواهی دهند، زیبایی آن است که هووها به آن گواهی دهند.»

شعر عمروعاص از نظر شیوایی عبارت، برنده تشخیص داده شد، و آن هدیه، نصیب او گردید.*

علامه امینی (عالم بزرگ معاصر، صاحب کتاب ارزشمند الغدیر) در یکی از سفرها در مجلسی شرکت کرد، یکی از اهل تسنن به او گفت: «شما شیعیان در مورد حضرت علی ﷺ غلو و زیاده‌روی می‌کنید، مثلاً او را با لقب «یدالله»، «عین الله» (دست خدا، چشم خدا) و... می‌خوانید، توصیف صحابه، تا این حد، نادرست است.»

علامه بی‌درنگ جواب داد: «اگر عمر بن خطاب، علی ﷺ را با چنین القابی خوانده باشد، چه می‌گویید؟» او گفت: سخن عمر برای ما حجت است. علامه امینی در همان مجلس، یکی از کتاب‌های اصیل اهل تسنن را طلبید، حاضر کردند، علامه آن را ورق زد، صفحه‌ای از آن را گشود که در آن صفحه این حدیث آمده بود: «مردی به طواف کعبه اشتغال داشت، در همان جا به زن نامحرمی، نگاه نامشروعی کرد، حضرت علی ﷺ او را در آن حال دید، با دست ضربه به صورت او زد و به این ترتیب او را مجازات کرد. او در حالی که دستش را بر صورتش نهاده بود و بسیار ناراحت بود، به عنوان شکایت از علی ﷺ نزد عمر بن خطاب آمد، و ماجرا را گفت. عمر در پاسخ او گفت:

«قد رأى الله و ضرب يده الله»

همانا چشم خدا دید، و دست خدا زد.

* حکایت‌های شنیدنی، ج ۴، ص ۳۶.